

## باسمه تعالی

### سخن سردبیر: گذر چهارم

بزایدوست هرچکنی عرضایع ست

بزسرمشق هرچکه بولبی بطالت ست

مارا که معامله با پنج کس نماند

ببین کبلی حضور تو کردم اوقات ست

سدهی بشوی لوح دل از نقش خیراوه

علمی که روبره حق نماید جمالت ست

(صدی)

تا پله چهارم با ما بودید از این رو باید به حکم ادب سپاس گویم شما همراهان خوب را که آمدید تا ما از پویای علم و دانش باز نماییم. سالی که گذشت سال حرکت و برکت هم برای فصلنامه بود و هم برای همه اساتید، محققین و دانشجویان همکار. سال فراوانی مقالات و سال شادابی دانش حقوق عمومی، سال جوشش مقالات و بالندگی فصلنامه در حوزه های حقوق عمومی، بین الملل و بشری، و این مهم میسر نشد مگر با تلاش و کوشش صمیمانه شیفتگان دانش حقوق. در پلکان چهارم چشم از آسمان بر نمی داریم و دست در دست یکدیگر تلاش خواهیم کرد تا به اهداف عالی در دشت لایتناهی حقوق نایل شویم.

گوهر اندیشه حقوق فصلنامه به ایستگاه چهارم رسید و هنگامه سخن به چهارمین گذر آمد تا بر سبیل متعارف گوشه چشمی داشته باشد به قلمرو حقوق و باز شناسی کند ابعاد پوشیده و مستور آنرا به خامه محققین و صاحب نظران حکیم.

در گام اول مسئولیت بین المللی دولت‌ها برای زباله های فضایی و ساز و کارهای حل و فصل اختلافات ناشی از آنها مورد کنکاش نویسندگان محترم رسیده. در حالی که گام بعدی به فحص در کثرت گرایبی حقوقی در الهیات مسیحی و تاثیر آن بر آغاز شکل گیری حقوق مدرن به رشته تحریر در آمده است.

اختلاف محیط زیستی آرژانتین و اروگوئه در منزل سوم تبیین شده و تعارض میان جاسوسی و آزادی اطلاعات از منظر حقوق بین الملل بشر در چهارمین گام از پلکان چهارم به خامه تحریر آراسته شده است.

تحدید قلمرو صلاحیت دیوان عدالت اداری توسط شورای انقلاب فرهنگی، ورود ثالث در روبه دیوان بین المللی دادگستری، شورای حقوق بشر و وضعیت حقوق بشر در عربستان و سرانجام نقض حقوق بشر و جدایی طلبی چهار گام نهایی است برای پایان بخشیدن به دفتر چهارم فصلنامه در سال جاری. اکنون نیز دست از طلب بر خواهیم داشت تا کام تشنگان دانش حقوق با مطالعه مقالات حقوقی بر آید و این ممکن نیست مگر با عنایت ویژه اساتید، محققین و صاحب نظران عزیز حقوقی تا ما را محروم نکنند از نظرات ارزشمند خود و این زایش علمی را همچنان مستمر نگه دارند تا پلکان آینده را در مجاز ذهن خود تصویری واقعی ترسیم کنیم. پله پنجم در زایش دوم فصلنامه خواهد بود و امید آنکه لطف صاحب لطف یار باشد تا این امانت وزین بر سبیل صحیح به مقصد برسد و بهره رساند به آنان که تشنه هستند، به آنان که مشتاق هستند و آنان که حقوق را باور دارند و نه آنانی که آن را ادعا می کنند چرا که باور به حقوق ممتاز است از علم به آن.

یارب از نیت به است آمده ی صبح تو ایم

و آنچه است از نظر علم تو پنهانی نیست

که برانی و کرم نده نخلص خوانی

روی نویدیم از حضرت سلطانی نیست

نماید از دلطف تو گنجاید رفت؟

تو پشای که دکاه تو را ثانی نیست

(سدی)